

# ساختار کتاب

کتاب شب امتحان عربی (۲) یازدهم انسانی از ۴ قسمت اصلی تشکیل شده است که به صورت زیر است:

(۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

**الف) آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده:** آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس‌خواندن قبل از امتحان و پاسخ‌گویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

**ب) آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده:** آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمونی را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

(۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

**الف) آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس، تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند. در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

**ب) آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده:** آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمان مواجه خواهید شد.

(۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

(۴) **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند (🙄) در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی زبان قرآن (۲) نیاز دارید، تنها در ۱۴ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید! **یک راهکار،** موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤالات درس‌های ۱ تا ۴ آزمون‌های ۵ تا ۸ هم استفاده کنید.



## فهرست

نوبت	آزمون	پاسخ‌نامه
اول	۳	۳۶
اول	۶	۳۷
اول	۹	۳۸
اول	۱۲	۳۸
دوم	۱۵	۳۹
دوم	۱۸	۴۰
دوم	۲۱	۴۱
دوم	۲۴	۴۲
دوم	۲۷	۴۳
دوم	۲۹	۴۴
دوم	۳۱	۴۴
دوم	۳۴	۴۵

## بازم‌بندی درس عربی زبان قرآن (۲) انسانی

مهارت‌های زبانی	نوبت اول	نوبت دوم
مهارت واژه‌شناسی	۲ نمره	۲ نمره
مهارت ترجمه به فارسی	۷ نمره	۷ نمره
مهارت شناخت و کاربرد قواعد	۷/۵ نمره	۷/۵ نمره
مهارت درک و فهم	۳ نمره	۳ نمره
مهارت مکالمه	۰/۵ نمره	۰/۵ نمره
جمع	۲۰ نمره	۲۰ نمره

ردیف	آزمون شماره ۱	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	نمره
<p>عربی زبان قرآن (۲) رشته: ادبیات و علوم انسانی زمان آزمون: ۹۰ دقیقه kheilisabz.com</p>			
<b>درس اول</b>			
۱	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ عِدَّةً مَنَاسِبًا. سَبْعَةَ عَشَرَ زَائِدًا ثَلَاثَةَ عَشَرَ يُسَاوِي .....	برای هل این سوال، علاوه بر دوستن عمدها در عربی، ریاضیتونم باید خوب باشه!	۰/۲۵
۲	عَيِّنْ اسْمَ التَّفْضِيلِ فِي الْعِبَارَةِ ثُمَّ تَرجم اسم التَّفْضِيلِ فَقَطْ. أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.	اسم تفضیل وزن به منصوبی داره! گاهی هم کمی تغییر قیافه می ده!	۱
۳	ترجم الجملة إلى الفارسيّة المألوفة. هَذَا تَمَوِّجٌ تَرْبَوِيٌّ لِيَهْتَدِيَ بِهِ كُلُّ السَّبَابِ.	این سؤال معمولاً از متن درس ها طرح می شه! لطفاً به متن درس ها عنایت ویژه ای داشته باشید!	۱
۴	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى. فَنٌ صَلَاةٌ صَوْمٌ حَجٌّ	یک کلمه معمولاً قبلی پرته! <input type="checkbox"/> حَجٌّ <input type="checkbox"/> صَوْمٌ <input type="checkbox"/> صَلَاةٌ <input type="checkbox"/> فَنٌ	۰/۲۵
۵	اُكْتُبْ مَفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ. الْف (الف) تَمَوِّجٌ: ..... (ب) نُهَاءٌ: .....	جدول جمع کلمه درس نامه ها می تونه برای این سؤال خیلی کمکتون کنه!	۰/۵
۶	عَيِّنْ اسْمَ الْمَكَانِ فِي هَذِهِ الْجُمْلَةِ ثُمَّ تَرجمه. مَنْزِلٌ جَدَّتِي قَرِيبٌ مِنْ شَارِعِ «مَطْهَرِي».	اسم مکان چندتا وزن داره. یکیش خیلی بیشتر استفاده می شه!	۰/۵
۷	إِتخَبِ التَّرجمَةَ الصَّحِيحَةَ. إِنَّ أَكْثَرَ الْأَصْوَاتِ لَأَصْوْتُ الْحَمِيرِ. (۱) بی گمان زشت ترین صداها، صدای خوران است. (۲) بی شک صدای خوران، بسیار زشت است.	دنبال شاه کلمه ها باشید توی این سؤال: منظورم شاه کلمه های ترجمه است!	۰/۲۵
۸	أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. عَدَاوَةٌ الْعَاقِلِ حَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.	این سؤال مربوط می شه به کتاب سال دهم! باید کتاب سال پیشتون رو خوب بلد باشید!	۱
۹	ترجم الكلمات التي تحتها خطٌّ. الْف (الف) لَا تَقْتَرِبُوا مِنَ الشَّارِعِ يَدُونَ النَّظَرَ إِلَى الْيَمِينِ وَالْيَسَارِ. (ب) إِنْكَسَرَتْ إِحْدَى الرُّجَاجَاتِ فِي الْمُخْتَبِرِ. (ج) مَا سَافَرْنَا حَتَّى الْآنَ إِلَى كَرْبَلَاءِ الْمُقَدَّسَةِ. (د) تَعَلَّمْ حُسْنَ الْخُلُقِ مِنَ النَّبِيِّ ﷺ. (هـ) قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ. (و) سَوْفَ يُعَلِّمُ الْمُدْرَسُ الثَّلَامِيذَ قَوَاعِدَ هَذَا الدَّرْسِ.	نوع و زمان فعل رو باید تشخیص بدین تا در عملیات ترجمه موفق باشید!	۱/۵
<b>درس دوم</b>			
۱۰	ترجم الجملتين إلى الفارسيّة المألوفة. الْف (الف) وَجَدْتُ رَائِحَةَ الْوُدِّ إِنْ شَمَمْتُ رُفَاتِي. (ب) مَنْ جَرَّبَ الْمُجْرَبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ.	متن درس ها رو برای این سؤال خوب بفونین!	۲
۱۱	عَيِّنْ اسْمَ الْفَاعِلِ أَوْ اسْمَ الْمَفْعُولِ أَوْ اسْمَ الْمَبَالِغَةِ. الْف (الف) إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَارَةٌ بِالسَّوِّءِ. (ب) هَذِهِ مِنَ الطَّائِرَاتِ الْحَرْبِيَّةِ الْمُتَهَاجِمَةِ.	اسم مبالغه که وزن منصوبی داره. اسم فاعل و مفعول هم در ثلاثی مؤنزه و مزید به شکل های مختلفی ساخته می شن!	۱
۱۲	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ. (كلمة واحدة زائدة) الْف (الف) = ..... (ب) ..... ≠ .....	جدول مترادف و متضاد درس نامه ها می تونه توی هل این سؤال خیلی بهتون کمک کنه!	۰/۵
فَلَاةٌ - رَكْبٌ - قُرْبٌ - صَحْرَاءٌ - بُعْدٌ			

شماره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
نمبره	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم			آزمون شماره ۱
<b>درس سوم</b>				
۱۳	یه کلمه معمولاً قبلی پرته!	<input type="checkbox"/> طَنَان	<input type="checkbox"/> زَقْرَاق	<input type="checkbox"/> رِمَال
۱۴	واژه نامه های هر درس، فوراًک هوی برای طرح این سوالن!	ترجم الكلمات التي تحتها خط. لِلسَّجَابِ الطَّائِرِ غِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظَلَّةِ.		
۱۵	فب! باید بگم که متن تمرین ها هم کاندیدا هستن برای طرح این سوال!	ترجم الجملة إلى الفارسيّة المألوفة. يُعَدُّ الحوتُ الأزرَقُ أكبرَ الكائناتِ الحيّةِ.		
۱۶	شاه کلیدی ترجمه!	انتخب الترجمة الصحيحة. يَبْدَأُ يَنْتَرِ بِقَايَا الطَّعَامِ مِنْ فِيهِ. (۱) بقیه های غذاها را از دهانش می خورد. (۲) شروع به نوک زدن باقی مانده های غذا از دهانش می کند.		
۱۷	مکالمه درس ها اولین و آخرین منبع برای طرح این سوالن!	رَتَّبِ الكلمات و اكتب جملة كاملة تامة. «هدفاً - مَنْ - إِلَى - يَذْهَبُ - التَّهَائِيَّ - يُسَجِّلُ»		
۱۸	فعل شرط که از ادوات شرط جدا نمی شه! جواب شرط کنی هلو تر میاد!	عین فعل الشرط في الجملة الأولى و جواب الشرط في الجملة الثانية ثم ترجم الجملتين. الف) ما تَزْرَعُوا فِي الدُّنْيَا تَخْضُدُوا فِي الآخِرَةِ. ب) مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.		
۱۹		أجب عن السؤال التالي. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ .....		
۲۰	با توجه به نشانه های جمله، باید گزینه مناسب رو انتخاب کنین!	<input type="checkbox"/> لا تَتَكَلَّمُوا	<input type="checkbox"/> لا تَتَكَلَّمَنَّ	<input type="checkbox"/> لا تَتَكَلَّمْنَ
		<input type="checkbox"/> يَلْعَبُونَ	<input type="checkbox"/> تَلْعَبُونَ	<input type="checkbox"/> تُشَاهِدُونَ
		<input type="checkbox"/> تَلْعَبَانِ	<input type="checkbox"/> تُشَاهِدَانِ	<input type="checkbox"/> تُشَاهِدُ
		<input type="checkbox"/> تُشَاهِدَنَ		
۲۱	متن درس ها، تمرین ها، اینا منبع این نوع سوالن!	املاً فراغات الترجمة الفارسيّة. يَسْتَطِيعُ أَنْ يَطِيرَ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةٍ وَخَمْسِينَ قَدَمًا فِي قَفْزَةٍ وَاحِدَةٍ. می تواند در یک ..... بیشتر از ..... قدم ..... .		
<b>درس چهارم</b>				
۲۲		ترجم هذه العبارة حسب قواعد المعرفة و النكرة ثم عین المعرفة. شَاهَدْتُ عِطْرًا حُسْنَ السَّمِّ فِي السُّوقِ فَاشْتَرَيْتُ الْعِطْرَ.		
۲۳	کتابی همد قبلی متن مرور شدن! پس متن درس ها برای امتحان هم قبلی موهن!	ترجم الجملة إلى الفارسيّة المألوفة. لا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَجِدَ لُغَةً بَدُونَ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ.		
۲۴	بارها گفته ام! بار دیگر می گویم! متن درس!	املاً فراغات الترجمة الفارسيّة. لِلْفِيروزِ آباديٍّ مُعْجَمٌ مَشْهُورٌ بِاسْمِ القَاموسِ يَصْمُ مَفْرَدَاتٍ كَثِيرَةً بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. فیروز آبادی ..... مشهوری به نام القاموس ..... که واژگان بسیاری را به زبان عربی .....		
<b>ترکیبی</b>				
۲۵	این سوال بیشتر به معنی و مفهوم جمله ها بستگی داره و این که دایره واژگانتون چه قدر گسترده باشه!	عین المناسب للفراغ. (كلمتان زائدتان) تَسِيحٌ - أَفْضَلٌ - فُرْقَانًا - تَعَادَلَا - عَدُوًّا - عَمودٌ - أَوْسَطٌ - صَدوقًا الف) إِنَّ ..... الدِّينِ الصَّلَاةَ. ب) حَيَّرَ الأُمُورَ ..... ها. ج) لا تَتَّخِذْ ..... واجداً وَ الواحِدُ كَثِيرٌ. د) هذا العَضُو ..... بين جُمُوحَةٍ نَقَارِ الحَسَبِ وَ مِنقَارِهِ. ه) هُذَانِ الفَرِيقَانِ ..... قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ. و) ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ .....		

	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
نمره	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم		آزمون شماره ۱	
۱/۵	<p>عین الصحيح و الخطأ حسب الحقيقة و الواقع.  الف) جمالُ القراء فصاحةُ لسانِهِ.  ب) الحكمةُ تعمُرُ في قلبِ المتكبرِ الجبارِ.  ج) مَنْ ساءَ خلقُهُ عَدَّبَ نفسهُ.  د) المشجرُ مكانٌ هاديٌّ للمطالعةِ.  هـ) يُصنَعُ الخُبزُ مِنَ العجينِ.  و) الجناحُ عضوٌ يطيرُ بِهِ الطائرُ.</p>			۲۶
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید		

شماره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
ردیف	نوبت دوم پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	آزمون شماره ۹		
۰/۵	۱	الف) مهارت واژه‌شناسی ترجم الکلمات التي تحتها خط. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَ لَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمُ﴾		
۰/۵	۲	صَحِّحِ الْمُتَرَادِفَ وَ الْمُتَضَادَّ فِي الْمَكَانِ الْمُنَاسِبِ. (ثلاث كلمات زائدة) الْعُدَاوَة - الْأَحْيَاء - الشَّمَال - الْإِتِّعَاد - الْأَعْلَى الف) أَلْتَسَار = ..... ب) الْأَسْفَل ≠ .....		
۰/۵	۳	اكتب مفرد أو جمع الكلمتين. الف) أصحاب: ..... ب) مَعْصِيَة: .....		
۰/۵	۴	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى. الف) □ لسان □ صَوْم □ ب) □ تَطَقَّ □ حَكَى □ □ وَجْه □ كَبْر □ □ عَيْن □ حَدَّث □		
۵	۵	ب) مهارت ترجمه به فارسی ترجم هذه الجملة إلى الفارسية المألوفة. الف) ﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ﴾ ب) يُحْكِي أَنَّ رَجُلًا كَانَ كَثِيرَ الْعُيُوبِ، فَتَدَمَّ عَلَى أَعْمَالِهِ وَ حَاوَلَ أَنْ يُصْلِحَهَا. ج) أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ. د) الْأُسْتَاذُ أَدْرَ يَزْدِي فِي السَّنَةِ الْعِشْرِينَ مِنْ عُمُرِهِ كَانَ عَامِلًا بَسِيطًا، ثُمَّ صَارَ بَائِعَ الْكُتُبِ، وَ لَمْ يَذْهَبْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ فِي حَيَاتِهِ. هـ) إِزْحَمُوا عَزِيزًا ذَلًّا، وَ غَنِيًّا افْتَقَرًا، وَ عَالِمًا ضَاعَ بَيْنَ جُهَالٍ.		
۰/۵	۶	انتخب الترجمة الصحيحة. الف) ﴿يَقُولُونَ يَا أَوَاهِيهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ ۱) با دهانشان آن چه را در قلب هایشان نیست می گویند و خدا به دروغی که بر زبان می رانند آگاه است. ۲) با دهان هایشان آن چه را در دل هایشان نیست می گویند و خدا به آن چه پنهان می کنند دانایتر است. ب) ﴿وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ﴾ ۱) و خاندانش را به نماز و زکات فرمان داده بود. ۲) و خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد.		
۱/۵	۷	املاً فراغات الترجمة الفارسية. الف) مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ، فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. هر کس بخواهد ..... مردم باشد، پس بر خداوند ..... ب) ﴿يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاةً وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ روزی که آدمی آن چه را که با دستانش پیش فرستاده است می نگرد و کافر می گوید: ..... ج) إِنَّ أَبِي كَانَ سَيِّدَ قَوْمِهِ، يَفُكُّ الْأَسِيرَ وَ يَحْفَظُ الْجَارَ. بدرم سرور مردمش بود، اسیر را ..... و ..... را حفظ می کرد.		
۱	۸	ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد ترجم الأفعال التي تحتها خط. الف) لِمَ لَا تَخْرُجُونَ مِنْ بَيْتِكُمْ؟ ج) إِنَّهُمْ مَا رَجَعُوا مِنَ الْعَمَلِ. ب) يَا أَعْرَابِي، أَشْكُرُوا مُدْرَسَكُمْ. د) إِنِّي سَوْفَ أُسَافِرُ إِلَى الْعِرَاقِ.		
۰/۵	۹	عَيِّنِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ. الف) أَنْتُمْ سَتَنْتَفِعُونَ بِهَذَا الْعَمَلِ. ب) يَا صَدِيقِي، رَجَاءً، اسْمَعْ كَلَامِي.		

شماره	رشته: ادبیات و علوم انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	عربی زبان قرآن (۲)
نوبت دوم پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	<b>آزمون شماره ۹</b>			ردیف
۱	عین نوع الأسماء: اسم الفاعل، أو اسم المفعول، أو اسم المبالغة، أو اسم المكان، أو اسم التفضيل. الف) ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ ب) يا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. ج) إِنَّ مَكْتَبَةَ جُنْدِي سَابور فِي خوزستان. د) لي صديقٌ صَبَّارٌ جَدًّا.			۱۰
۰/۵	عین جواب الشرط، ثم عین الترجمة الصحيحة. مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيرًا يَصِلُ إِلَى أَهْدَافِهِ. ۱) هر کس بسیار تلاش کند به هدف هایش می رسد. ۲) کسی که بسیار سعی می کند به هدف هایش خواهد رسید.			۱۱
۰/۵	املاً الفراغ في الترجمة حسب القواعد التي قرأتها. اشترتُ اليومَ كتاباً قد رأيتُهُ من قبل. امروز کتابی را ..... که قبلاً آن را .....			۱۲
۱	ترجم هاتین الآيتين حسب القواعد التي قرأتها. الف) ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ ب) ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ﴾			۱۳
۱	ترجم هاتین الآيتين حسب القواعد التي قرأتها. الف) ﴿عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ ب) ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا﴾			۱۴
۱	ترجم هاتین الجملتين حسب القواعد التي قرأتها في معاني الأفعال الناقصة. الف) كَانَ سَعِيدٌ سَاعَدَ صَدِيقَهُ. ب) كَانَ سَعِيدٌ يُسَاعِدُ صَدِيقَهُ.			۱۵
۱	أعرب الكلمات التي تحتها خطٌ. (المحلّ الإعرابي و علامة الإعراب) يَكْتُبُ الْمُدْرَسُ قَوَاعِدَ الدَّرْسِ عَلَى اللُّوحِ.			۱۶
۱/۵	د) مهارت درک و فهم ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية. (كلماتان زائدتان) السَّرِير - مِثَاثٌ - جَوْعٌ - المِظْلَلَةُ - الخَائِبِ - الدَّوَابُّ - ظِلَامٌ - حَضِرَةٌ			۱۷
۱/۵	الف) في اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ ..... الْكَلِمَاتُ الْمُعَرَّبَةُ ذَاتِ الْأُصُولِ الْفَارِسِيَّةِ. ب) اسْتَفِيدُ مِنْ ..... أَمَامَ أَشْعَةِ الشَّمْسِ أَوْ نُزُولِ الْمَطْرِ أَوْ التَّلُجِ. ج) إِنَّ الرُّكْبَ جَمَاعَةٌ مِنَ الْمُسَافِرِينَ يُسَافِرُونَ عَلَى ..... د) الشَّرْشَفُ قِطْعَةٌ قَمَاشٍ تَوْضَعُ عَلَى ..... هـ) عُصُونُ الْأَشْجَارِ فِي الشَّنَاءِ بَدِيعَةٌ ..... و) الْغَدَاةُ بَدَايَةُ النَّهَارِ وَ نِهَائِهِ ..... اللَّيْلِ.			۱۸
۱/۵	عین الصحيح و الخطأ حسب الحقيقة. الف) الطَّبَاشِيرُ مَادَّةٌ بَيْضَاءٌ أَوْ مُلَوَّنَةٌ يَكْتَبُ بِهَا عَلَى السَّبُورَةِ وَ مِثْلِهَا. ب) الْأَبْكَمُ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَتَكَلَّمَ وَ مُؤَنَّثُهُ «بِكَمَاءٌ». ج) الْأَصَمُّ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرَى وَ مُؤَنَّثُهُ «صَمَاءٌ». د) يَلْعَبُ فِي فَرِيقِ كُرَةِ الْمَنْضَدَةِ أَحَدَ عَشَرَ لَاعِبًا. هـ) إِرْتِفَاعُ حَرَارَةِ الْجِسْمِ مِنْ عَلَائِمِ الْمَرَضِ. و) أوروبَّا أَكْبَرُ قَارَّةٍ فِي الْعَالَمِ.			۱۹
۰/۲۵	هـ) مهارت مکالمه أجب عن السؤال التالي. يَمُّ مُسَافِرٌ فِي الْبَحْرِ؟ .....			۲۰
۰/۲۵	رتب الكلمات و اكتب سؤالاً و جواباً صحيحاً. «يَأْلَمُ - صَدْرِي - فِي - يَكُ - أَشْعُرُ - مَا - ؟ -»			۲۰
۲۰	موفق باشيد	جمع نمرات		

# پاسخ‌نامه تشریحی

## آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

- ۱- ثلاثین / هفده به اضافه سیزده مساوی است با سی.
- ۲- «أَحَبُّ» و «أَنْفَعُ» اسم تفضیل و هر دو بر وزن «أَفْعَل» اند. فقط «أَحَبُّ» کمی تغییر قیافه داده است.
- ترجمه‌عبارت:** «محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترینشان برای بندگان است.»
- ۳- این یک نمونه پرورشی است تا همه جوانان با آن هدایت شوند.
- ۴-  هنر  نماز  روزه  حج
- به جز «فَنَ» بقیه کلمات، فریضه دینی اند.
- ۵- الف) تَمَوَّجٌ ← جمع (نمونه‌ها)  
ب) نَهَاةٌ ← مفرد (بازدارنده)
- ۶- «مَنْزِلٌ» بر وزن «مَفْعَلٌ» اسم مکان است.
- ترجمه‌عبارت:** «خانهٔ مادر بزرگم به خیابان مطهری نزدیک است.»
- ۷- گزینه «۱» «أَنْكُرُ» اسم تفضیل است و باید به صورت صفت عالی ترجمه شود؛ یعنی «بترین». ضمناً «الأصوات» در گزینه (۲) ناپدید شده!
- ۸- حُبٌّ: «عَدَاوَةٌ» اسم مرفوعی است که ابتدای جمله آمده! پس قطعاً مبتدأست و مبتدأ هم که همیشه مرفوع است. «صَدَاقَةٌ» هم بعد از حرف جرّ «مِنْ» آمده! پس مجرور به حرف جر است.
- ۹- الف) بدون نگاه به راست و چپ به خیابان نزدیک نشوید. («لَا تَقْتَرِبُوا» فعل نهی است.)  
ب) یکی از شیشه‌ها در آزمایشگاه شکست. («انْكَسَرَتْ» فعل ماضی از باب انفعال است.)  
ج) تا الان به کربلا سفر نکرده‌ایم. («مَا سَأَفَرْنَا» فعل ماضی منفی است.)  
د) خوش اخلاقی را از پیامبر ﷺ یاد بگیر. («تَعَلَّمْ» فعل امر از باب تفاعل است.)  
ه) خداوند به تو نیکی کرده است. («قَدْ أَحْسَنَ» فعل ماضی نقلی از باب افعال است.)  
و) معلم قواعد این درس را به دانش‌آموزان یاد خواهد داد. («سَوْفَ يُعَلِّمُ» فعل مستقبل است.)
- ۱۰- الف) اگر استخوان پوسیده‌ام را ببویی، بوی عشق را می‌یابی.  
ب) هر کس آزموده را بیازماید، پشیمان می‌شود.
- ۱۱- الف) «أَمَارَةٌ» بر وزن «فَعَالَةٌ» ← اسم مبالغه
- ترجمه‌عبارت:** «بی‌شک نفس بسیار فرمان‌دهنده به بدی است.»
- ب) «مُتَهَاجِمَةٌ» چون اولش «م» و عین‌الفعلش «ب» دارد، اسم فاعل (از باب تفاعل) است.
- ترجمه‌عبارت:** «این از هواپیماهای جنگی حمله‌کننده است.»
- ۱۲- الف) قَلَاةٌ = صَحْرَاءٌ: بیابان  
ب) قُرْبٌ: نزدیکی ≠ بُعْدٌ: دوری
- کلمه اضافی: رَكْبٌ: کاروان شتر یا اسب‌سواران
- ۱۳-  مرغ مگس  مرغ باران  شن‌ها  دارکوب
- واضح است که به جز «رمال» بقیه کلمات، نام پرندانهند.
- ۱۴- سنجاب پرنده، پوششی ویژه مانند چتر دارد.
- ۱۵- نهنگ آبی بزرگ‌ترین موجود زنده به شمار می‌آید.
- ۱۶- گزینه «۲» «يَبْدَأُ بِ» یعنی «شروع می‌کند». ضمناً «تَقَرَّرَ» یعنی «نوک‌زدن». «طَعَامٌ» هم که مفرد است.
- ۱۷- «مَنْ يَسْجُلْ هَدَفًا يَدَهَبْ إِلَى الثَّهَابِ»: هر تیمی گلی به ثمر برساند، به دیدار پایانی راه پیدا می‌کند.
- ۱۸- الف) «تُرَّزَعُوا» فعل شرط است. «ن»ش هم به همین خاطر حذف شده! بد نیست بدانید که «ما» ادات شرط است و «تَخَضُّدُوا» جواب شرط.

## ترجمه‌عبارت: «آن‌چه در دنیا بکارید، در آخرت درو می‌کنید.»

ب) «حَصَدَ» فعل جواب شرط است اما چون ماضی است، ظاهرش تغییر نکرده! «رَزَعَ» فعل شرط و «مَنْ» هم ادات شرط است.

## ترجمه‌عبارت: «هر کس دشمنی بکارد، زبان درو می‌کند.»

۱۹- أَنَا مِنْ إِيْرَانٍ (أنا إِيْرَانِيَّةٌ) / اهل کجایی؟ من ایرانی‌ام.

نکته مهم این است که اگر در سؤال «أَنْتَ» باشد، در جواب از «أَنَا» استفاده می‌کنیم.

۲۰- الف) يَا بَنَاتَ رَجَاءَ لَا تَتَكَلَّمْنَ فِي الصَّمْفِ: ای دختران، لطفاً در کلاس حرف نزنید.

«بنات» جمع مؤنث است. پس «لَا تَتَكَلَّمْنَ» فعل نهی است. یادتان هست که در جمع مؤنث «ن» ناگفته پیداست که «لَا تَتَكَلَّمْنَ» فعل نهی است. یادتان هست که در جمع مؤنث «ن» تحت هیچ شرایطی حذف نمی‌شد. پس «لَا تَتَكَلَّمْنَ» هم اشتباه است.

ب) الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ فِي سَاحَةِ الْبَيْتِ: کودکان در حیاط خانه، بازی می‌کنند.

«الاطفال» جمع است، پس «يَلْعَبُونَ» که مثناست، به کارمان نمی‌آید. چون جمله دارد دربارهٔ «الاطفال» صحبت می‌کند، «تَلْعَبُونَ: بازی می‌کنید» که مخاطب است هم به کارمان نمی‌آید.

ج) به به! «أحمد» که اتفاقاً نام یکی از دوستانم است، مذکر است. پس «تُشَاهِدِينِ» که فعل مؤنث است می‌رود پی سرنوشتش! وقتی به صورت سؤال خوب دقت کنیم، یک «ي» می‌بینیم که قطعاً مفعول است. در سال دهم یاد گرفتیم که اگر فعل متعدی بخواهد به ضمیر مفعولی «ي» بچسبد، یک «ن» به اسم «نون وقایه» باید بینشان بیاید. پس: «يا أحمد، ألا تُشَاهِدُنِي أَمَامَ الْمُتَجَرِّ؟» ای احمد، آیا من را مقابل مغازه نمی‌بینی؟

۲۱- می‌تواند در یک پرش، بیشتر از صد و پنجاه قدم پرواز کند.

۲۲- «عِطْرًا» در ابتدای عبارت با تنون آمده که نکره است. بعدش که تکرار شده با «ال» آمده که معرفه است. به ترجمه عبارت دقت کنید: «عطری خوش‌بو را در بازار دیدم و آن عطر را خریدم.» الْعَاقِلُ بِالْإِشَارَةِ!

۲۳- نمی‌توانیم زبانی را بدون واژگان وارد شده بیابیم.

۲۴- فیروزآبادی واژه‌نامه‌ای مشهور به نام القاموس دارد که واژگان بسیاری را به زبان عربی در بر می‌گیرد.

نکته مهم این عبارت «ل + اسم: داشتن» است!

۲۵- الف) عَمَوَةٌ / ستون دین، نماز است.

ب) أَوْسَطُ / بهترین کارها، میانه‌ترین آن‌هاست.

ج) عَدُوٌّ / یک دشمن هم نگیر که یکی هم زیاد است.

د) تَسْيِجٌ / این عضو، بافتی بین ججمهٔ دارکوب و منقارش است.

ه) تَعَاذَلَا / این دو تیم، دو هفته پیش به تساوی رسیدند.

و) فُرْقَانًا / اگر تقوای خدا پیشه کنید، برای شما نیروی تشخیص حق از باطل را قرار می‌دهد. کلمات اضافی: أَفْضَلُ: بهتر، صَدَقًا: بسیار راستگو

۲۶- الف) درست / زیبایی انسان، شیوایی زبانش است.

ب) نادرست / حکمت در دل انسان متکبر زورمند، ماندگار می‌شود. درستش این بود که می‌گفت «لَا تَعْمُرُ» ماندگار نمی‌شود.

ج) درست / هر کس اخلاقش بد شود، خودش را عذاب می‌دهد.

د) نادرست / مغازه جای آرامی برای مطالعه است. این تعریف مربوط به واژهٔ «الْمَكْتَبَةُ: کتابخانه» است.

ه) درست / نان از خمیر درست می‌شود.

و) درست / بال، عضوی است که پرنده با آن پرواز می‌کند.

- ج) پدرم سرور مردمش بود، اسیر را آزاد می‌کرد و همسایه را حفظ می‌کرد.  
 ۸- الف) چرا از خانه‌تان خارج نمی‌شوید؟ («لَا تَخْرُجُونَ» فعل مضارع منفی است).  
 ب) ای عزیزانم، از معلمتان سپاس‌گزاری کنید. («أَشْكُرُوا» فعل امر است).  
 ج) آن‌ها از کار برنگشتند. («مَا رَجَعُوا» فعل ماضی منفی است).  
 د) من به عراق سفر خواهم کرد. («سَوْفَ أَسَافِرُ» فعل مستقبل است).  
 ۹- الف) شما از این کار سود خواهید برد. («سَتَنْتَفِعُونَ» فعل مستقبل است).  
 ب) ای دوست من، لطفاً به حرفم گوش بده. («اسْمَعْ» فعل امر است).  
 ۱۰- الف) «خَيْر» اسم تفضیل است.

**ترجمه‌ت: «شب قدر از هزار شب بهتر است.»**

- ب) «الْمُحْسِنِينَ» اسم فاعل از باب افعال است. اولش «مِه» دارد و عین‌الفعلش «ی» گرفته!  
**ترجمه‌ت: «ای کسی که نیکوکاران را دوست داری.»**  
 ج) «مَكْتَبَةٌ» بر وزن «مَفْعَلَةٌ» اسم مکان است.  
**ترجمه‌ت: «کتابخانه جندی‌شاپور در خوزستان است.»**  
 د) «صَبَّارٌ» بر وزن «فَعَالٌ» اسم مبالغه است.  
**ترجمه‌ت: «دوستی دارم که بسیار صبور است.»**

۱۱- اول تکلیف ترجمه صحیح را مشخص کنیم. گزینه (۱) صحیح است. خُب حالا چرا؟  
 «مَنْ» یعنی «هر کس» و «يُحَاوِلُ» که فعل شرط است باید به صورت التزامی ترجمه شود.  
 «يَصِلُ» هم فعل جواب شرط است.

۱۲- امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم. («قَدْ رَأَيْتَهُ» جمله وصفیه است و چون بعد از فعل ماضی آمده به صورت ماضی بعید ترجمه می‌شود).

۱۳- الف) (هرگز) به نیکی نخواهید رسید تا از آن چه دوست دارید، انفاق کنید. («لَنْ» باعث شده «ن» آخر فعل حذف شود. ضمناً «ن» آخر فعل حذف شده «ن» باعث شده «ن» آخر فعل حذف شود. ضمناً خودش به صورت «که» و فعل مضارع بعدش به صورت التزامی ترجمه می‌شود).

۱۴- الف) مؤمنان فقط باید بر خداوند توکل کنند. («لِ» در این آیه لام امر است. چون قبلش «فَ» آمده ساکن شده. خودش هم که به صورت «باید» ترجمه می‌شود).

ب) اعراب بادیه‌نشین گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاوردید. («لَمْ + فعل مضارع» معادل ماضی ساده یا نقلی منفی است. راستی راستی! «لَمْ» باعث شده «ن» آخر فعل حذف شود).

۱۵- الف) سعید به دوستش کمک کرده بود. («كَانَ» + «فعل ماضی»: ماضی بعید)

ب) سعید به دوستش کمک می‌کرد. («كَانَ» + «فعل مضارع»: ماضی استمراری)

۱۶- «قَوَاعِدُ» به «الدَّرْسِ» اضافه شده و کسره «ی» گرفته! پس «الدَّرْسِ» مضاف‌الیه است و مجرور. «اللُّوحُ» هم بعد از حرف جر «عَلَى» آمده پس مجرور به حرف جر است.

۱۷- الف) مینا / در زبان عربی صدها واژه عربی‌شده دارای ریشه فارسی هست.

ب) المِظْلَةُ / از چتر مقابل پرتوهای خورشید یا بارش باران و برف استفاده می‌کنم.

ج) الدُّوَابُ / کاروان اسب‌سواران یا شترسواران گروهی از مسافران هستند که با چارپایان مسافرت می‌کنند.

د) الشَّرِيرُ / ملحفه، قطعه پارچه‌ای است که روی تخت گذاشته می‌شود.

ه) خَصْرَةٌ / شاخه‌های درختان در زمستان تر و تازه و سرسبز است.

و) ظلام / صبحگاه شروع روز و پایان تاریکی شب است.

کلمات اضافی: جوع: گرسنگی، الخائب: ناامید

۱۸- الف) درست / گچ نوشتار، چیز سفید یا رنگی است که با آن روی تخته سیاه نوشته می‌شود.

ب) درست / لال کسی است که نمی‌تواند حرف بزند و مؤنثش «بِگَمَاء» است.

ج) نادرست / ناشنوا کسی است که نمی‌تواند ببیند و مؤنثش «صَمَاء» است. (این تعریف مربوط به واژه «الأَعْمَى» نابینا است).

د) نادرست / در تیم پینگ‌پنگ یازده بازیکن بازی می‌کنند. (در تیم «كرة القدم» فوتبال) یازده بازیکن بازی می‌کنند).

ه) درست / بالارفتن حرارت بدن از نشانه‌های بیماری است.

و) نادرست / اروپا بزرگ‌ترین قاره در جهان است. (حتماً می‌دانید که آسیا بزرگ‌ترین قاره جهان است).

۱۹- بالسَّفِينَةِ / در دریا با چه چیزی سفر می‌کنی؟ با کشتی.

۲۰- ما بِكَ؟ أشعُرُ بِألم في صَدْرِي: تو را چه می‌شود؟ در سینهام احساس درد می‌کنم.

**آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)**

۱- کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده و بین هیچ‌کدام از آن‌ها فرق نگذاشتند، مرزهایشان را (خدا) به آن‌ها خواهد داد.

۲- الف) الیسار = الشَّمال: چپ

ب) الأسفل: پایین‌تر ≠ الأعلى: بالاتر

کلمات اضافی: العداوة: دشمنی، الأخیاء: زندگان، الإبتعاد: دور شدن

۳- الف) أصحاب مفرد ← صاحب (دوست)

ب) مَعْصِيَةٌ جمع ← معاصی (گناهان)

۴- الف)  زبان  روزه

صورت  چشم

ب)  به زبان آورد  حکایت کرد

بزرگ شد  سخن گفت

۵- الف) آیا ندانسته‌اند که خداوند همان است که توبه را از بندگان می‌پذیرد؟

ب) حکایت می‌شود که مردی پرگناه بود و از کارهایش پشیمان شد و تلاش کرد که آن‌ها را اصلاح کند.

ج) به تو پناه می‌برم از نفسی که سیر نشود و از قلبی که فروتنی نکند و از دانشی که سود نرساند. («لَا تَشِيْعُ»، «لَا يَخْشَعُ» و «لَا يَنْقَعُ» جمله وصفیه‌اند).

د) استاد آذربیدی در بیست سالگی‌اش کارگری ساده بود. سپس کتاب‌فروش شد و در زندگی‌اش (هرگز) به مدرسه نرفت.

ه) به عزیزی که خوار شده، به توانگری که فقیر شده و دانشمندی که بین نادانان تباه شده، رحم کنید.

۶- الف) گزینه «۲» «أفواه» جمع است، «أَعْلَمُ» اسم تفضیل است و «يَكْتُمُونَ» در گزینه (۱) اشتباه ترجمه شده!

ب) گزینه «۲» «أهل» به معنای «خانواده» است. ضمناً «كَانَ يَأْمُرُ» معادل ماضی استمراری است.

۷- الف) هر کس بخواد قوی‌ترین مردم باشد، پس بر خداوند باید توکل کند.

ب) روزی که آدمی آن‌چه را که با دستانش پیش فرستاده است می‌نگردد و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم.



# درس نامه توپ برای شب امتحان

## فن ترجمه

حتماً تا حالا متوجه شده‌اید که در ترجمه اسم تفضیل از «تر، ترین» استفاده می‌کنیم. حالا ببینیم یکی از «تر» و یکی از «ترین» استفاده می‌کنیم:

۱ «تر»: اگر بعد از اسم تفضیل «من» بیاید، در ترجمه آن از «تر» کمک می‌گیریم.

**مثال:** الطَّائِرَةُ أَسْرَعُ مِنَ السَّيَّارَةِ: هواپیما از ماشین، سریع‌تر است.

راستی راستی! اسم تفضیل اگر صفت هم شود، در ترجمه‌اش، سر و کله «تر» پیدا می‌شود.

**مثال:** الْوَالِدُ الْأَكْبَرُ: پسر بزرگ‌تر

موصوف صفت

الْبَيْتُ الصَّغِيرُ: دختر کوچک‌تر

موصوف صفت

۲ «ترین»: اگر اسم تفضیل مضاف شود، در ترجمه‌اش از «ترین» کمک می‌گیریم.

**مثال:** أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.

اسم تفضیل مضاف‌الیه

(مضاف)

داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود، بیفزاید.

## اسم مکان

از اسمش پیداست که بر مکان دلالت می‌کند. این اسم در عربی بیشتر بر وزن «مَفْعَل» و گاهی بر وزن «مَفْعَلَةٌ» و «مَفْعَلَةٌ» می‌آید.

**مثال:** أَخِي الْأَصْغَرُ يَعْمَلُ فِي مَصْنَعِ الْكِرَاسِيِّ: برادر کوچک‌ترم در کارخانه‌ی صندلی‌کار می‌کند.

ذَلِكَ مَنْزِلُ صَدِيقِي: آن خانه دوستم است.

هُنَاكَ مَكْتَبَةٌ كَبِيرَةٌ قُرْبَ بَيْتِنَا: کتابخانه بزرگی نزدیک خانه ما هست.

**توجه:** دوستان خوب! حواستان را جمع کنید. وزن «مَفْعَلَةٌ» همیشه برای مکان به کار می‌رود، ولی «مَفْعَل» و «مَفْعَل» بین مکان و زمان مشترک‌اند. فقط در جمله می‌توانیم بفهمیم برای مکان به کار رفته‌اند یا زمان.

**مثال:** الرَّؤَاةُ يَذْهَبُونَ إِلَى مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ فِي هَوَسِمِ الْحَجِّ.

اسم مکان بر وزن «مَفْعَل»

زائران در فصل (موسم) حج به مکه مکرمه می‌روند.

إِنَّ الْمَرْأَةَ تَزَلُّ مِنَ الْمَحِيلِ: زن از کجاوه پایین آمد.

اسم مکان بر وزن «مَفْعَل»

مَبْدَأُ الْعَامِ الْهَجْرِيِّ هُوَ الشَّهْرُ الْمُحَرَّمُ:

اسم زمان بر وزن «مَفْعَل»

زمان شروع سال هجری، ماه محرم است.

أُمِّي مَشْغُولَةٌ بِطَبْخِ الطَّعَامِ فِي الْمَطْبَخِ

اسم مکان بر وزن «مَفْعَل»

مادرم در آشپزخانه مشغول پختن غذاست.

**نکته:** جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» می‌آید.

**مثال:** «مَطَابِع» جمع «مَطْبَعَة»: چاپخانه، «مَطَاعِم» جمع «مَطْعَم»: رستوران، «مَدَارِس»

جمع «مَدْرَسَة»: مدرسه، «مَنَازِل» جمع «مَنْزِل»: خانه

## کلمات و عبارات مهم درس

### فعل‌ها

أَغْضَضُ مِنْ صَوْتِكَ: صدایت را پایین بیاور  
تَعَمَّرُ: عمر می‌کند، ماندگار می‌شود  
إِفْضِدْ: میان‌روی کن  
لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ: با تکبر رویت را برنگردان

## الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: مَوَاعِظُ قَيِّمَةٌ



### اسم تفضیل و اسم مکان

#### اسم تفضیل

به مثال‌های زیر دقت کنید:

۱) هَذَا أَكْبَرُ مَنْزِلٍ فِي هَذِهِ الْقَرْيَةِ: این بزرگ‌ترین خانه در این روستا است.

۲) هَذَا الْكِتَابُ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ: این کتاب از آن (یکی) بهتر است.

به کلماتی مانند «أَكْبَرُ و أَفْضَلُ» در عربی اسم تفضیل می‌گوییم. این اسم در عربی بر وزن «أَفْعَل» می‌آید. اسم تفضیل معنا و مفهوم برتری را می‌رساند و معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در فارسی است.

یک مثال دیگر از اسم تفضیل ببینیم و بعد به نکاتش بپردازیم:

لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ: در ترازوی اعمال چیزی سنگین‌تر از اخلاق خوب نیست.

#### نکات

۱) اسم تفضیل گاهی تغییر قیافه می‌دهد و شما آن را به صورت «أَفْعَى» و «أَفَل» هم می‌بینید.

**مثال:** أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ نَقَعَ النَّاسَ: دوست‌داشتنی‌ترین بندگان خداوند، کسی است که به مردم سود برساند.

هَذَا السَّرْوَالُ أَغْلَى مِنْ بَقِيَّةِ السَّرَاوِيلِ: این شلوار از بقیه شلوارها، گران‌تر است.

۲) مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فُعَلَى» می‌آید.

**مثال:** جَلَسَتْ الْأُخْتُ الْكُبْرَى عِنْدَ الْأَخْتِ الصَّغِيرَى: خواهر بزرگ‌تر نزد خواهر کوچک‌تر نشست.

اما و اما. به مثال زیر دقت کنید:

**مثال:** آيِدَا أَصْغَرُ مِنْ فَاطِمَةَ: آیدا از فاطمه کوچک‌تر است.

فکر می‌کنم خودتان متوجه این نکته مهم شدید که برای مقایسه بین دو اسم مؤنث از اسم تفضیل مذکر (بر وزن «أَفْعَل») استفاده می‌کنیم. اسم تفضیل فقط وقتی بر وزن «فُعَلَى» می‌آید که صفت اسم مؤنث شود، مثل همان مثال اولی!

۳) جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» می‌آید.

**مثال:** إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ: هنگامی که فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند. («الأرادل» جمع «الأرذل» و «الأفاضل» جمع «الأفضل» است.)

۴) خُب! حالا یک نکته مهم! از سال هفتم تا الان، حتماً دو کلمه «خَيْر: خوبی» و «شَر: بدی» را در کتاب‌هایتان خیلی دیده‌اید. این دو اسم هم، می‌توانند اسم تفضیل باشند. البته به دو شرط: ۱- بعد از آن‌ها «من» بیاید.

**مثال:** «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»: شب قدر از هزار ماه، بهتر است.

۲- مضاف شوند؛ یعنی بعد از آن‌ها مضاف‌الیه بیاید.

**مثال:** شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ: بدترین مردم، مردمان دورو هستند.

مضاف مضاف‌الیه

از هر کدام دوباره یک مثال ببینید لطفاً:

مَنْ عَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهَوَّ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ:

هر کس شهوتش بر عقلش چیره شود، از چهارپایان هم بدتر است.

خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أهدَى إِلَيْكُمْ غِيوبَكُمْ:

مضاف مضاف‌الیه

بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.

مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَدَّبَ نَفْسَهُ: هر کس اخلاقش بد شود، خودش را عذاب می‌دهد.  
 إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: من فقط برای کامل کردن بزرگواری‌های اخلاق مبعوث شدم. (من فقط مبعوث شدم تا بزرگواری‌های اخلاقی را کامل کنم)  
 حَسَنَتٌ: نیکو گردانیدی  
 أثَقَلُ: سنگین تر (اسم تفضیل)  
 المیزان: ترازوی اعمال  
 ما یلی: آن چه می‌آید  
 «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»: خداوند کسی را جز به اندازه توانش، تکلیف نمی‌کند.  
 مَيِّزٌ: جدا و سوا کن  
 أَنْ يَسْبُ: که دشنام دهد  
 مَهْلًا: آرام باش  
 دَعَا شَيْفَكَ مَهَانًا تُرِضُ الرَّحْمَنَ وَتُسَخِّطُ الشَّيْطَانَ وَتُعَاقِبُ عَدُوَّكَ: دشنام گوی خود را خوارها کن تا (خدای) بخشاینده را خشنود و اهریمن را خشمگین کنی و دشمنانت را کيفر داده باشی.  
 مَا أَرْضَى الْمُؤْمِنَ رَبُّهُ بِمَثَلِ الْجَلْمِ: مؤمن پروردگارش را با (خیر)ی همانند بردباری خشنود نکرد.  
 وَ لَا أَسَخَطَ الشَّيْطَانَ بِمَثَلِ الصَّمْتِ: و اهریمن را با (خیر)ی همانند خاموشی خشمگین نکرد.  
 وَ لَا عَوَقَبَ الْأَخْمَقُ بِمَثَلِ السُّكُوتِ عَنْهُ: و نادان با (خیر)ی همانند دم فرو بستن در برابرش کيفر نشد.

جدول اسم تفضیل	
اسم تفضیل	صفت مفعولی
أَحْسَنُ: نیکوتر، نیکوترین	حَسَنٌ: نیکو
أَنْكَرُ: زشت تر، زشت ترین	—
أَكْبَرُ: بزرگ تر، بزرگ ترین	كَبِيرٌ: بزرگ
أَعْلَى: بلندتر، بلندترین	عَالِيٌ: عالی، بلند
أَنْفَعُ: سودمندتر، سودمندترین	نَافِعٌ: سودمند
أَعْلَى: گران تر، گران ترین	غَالِيٌ: گران
أَقْلُ: کم تر، کم ترین	قَلِيلٌ: کم
أَكْثَرُ: بیشتر، بیشترین	كَثِيرٌ: بسیار
أَحَبُّ: محبوب تر، محبوب ترین	مُحَبَّبٌ: محبوب
أَعْلَمُ: داناتر، داناترین	عَالِمٌ: دانا
أَفْضَلُ: بهتر، بهترین	—
خَيْرٌ: بهتر، بهترین	خَيْرٌ: خوب
شَرٌّ: بدتر، بدترین	شَرٌّ: بد
أَرْحَمُ: مهربان تر، مهربان ترین	رَحِيمٌ: مهربان
أَوْسَطُ: میانه ترین	—
أَثْقَلُ: سنگین تر، سنگین ترین	ثَقِيلٌ: سنگین
أَرْحَصُ: ارزان تر، ارزان ترین	رَخِيسٌ: ارزان

جدول اسم مکان	
اسم مکان	ریشه
مَلْعَبٌ: ورزشگاه	لَعِبٌ: بازی
مَطْعَمٌ: رستوران	طَعَامٌ: غذا
مَصْنَعٌ: کارخانه	صَنَّعٌ: ساختن
مَطْبَخٌ: آشپزخانه	طَبَخٌ: پختن
مَحْمِلٌ: کجاوه	حَمَلَ: بردن
مَنْزِلٌ: خانه	نَزَلَ: اقامت
مَكْتَبَةٌ: کتابخانه	كَتَبَ: نوشتن
مَطْبَعَةٌ: چاپخانه	طَبَعَ: چاپ کردن
مَدْرَسَةٌ: مدرسه	دَرَسَ: تحصیل
مَتَجَرٌ: مغازه	تَجَارَعَ: دادوستد

أَقِمُّ: بر پای دار  
 إِنَّهُ: بازدار  
 أَوْفَرُ: دستور بده  
 لَا تَمِشْ: راه نرو  
 لِيَهْتَدِيَ: تا راهنمایی شود  
 يُقَدِّمُ: تقدیم می‌کند، پیش می‌فرستد

### سایر کلمات و عبارات

جَبَّارٌ: ستمکار زورمند «صفت خدا به معنای توانمند»  
 إِذَنْ: بنابراین  
 حَمِيرٌ: خرها  
 تَرْبُويٌ: پرورشی  
 مَرَحًا: شادمانه و با ناز و خودپسندی  
 تَمَوَّجٌ: نمونه  
 أَنْكَرٌ: زشت تر، زشت ترین  
 قِيمٌ: ارزشمند  
 مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ: خودپسند  
 إِسْتِهْلَاكٌ: مصرف کردن  
 قُنُونٌ: هنرها  
 مُخْتَالٌ: خودپسند  
 نَاهِيٌ: ناه، بازدارنده

### متن درس

أَحْسَنُ حَالٍ: بهترین حال  
 الْقُنُونُ النَّافِعَةُ: هنرهای سودمند  
 الْإِتْبَاعُ عَنِ الْأَرَادِلِ وَ التَّقَرُّبُ إِلَى الْأَفَاضِلِ: دوری از فرومایگان و نزدیک شدن به شایستگان  
 الْاِقْتِصَادُ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَ الْكُهْرَبَاءِ: صرفه جویی در مصرف آب و برق  
 يُقَدِّمُ لِأَنَّهُ مَوَاعِظُ قِيَمَةٌ: به پسرش، پنجاهی ارزشمندی تقدیم می‌کند.  
 هَذَا تَمَوَّجٌ تَرْبُويٌ لِيَهْتَدِيَ بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ: این یک نمونه پرورشی است تا همه جوانان با آن هدایت شوند.  
 «يَا بَنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ ائْتِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»: ای پسرکم، نماز را بر پای دار و به کار خوب دستور بده و از کار زشت بازدار و بر آن چه به تو رسیده است، صبر پیشه کن که آن از کارهای مهم است.  
 «وَ لَا تَضَعُ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمِشْ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»: رویت را با تکبر از مردم برنگردان و در زمین با ناز و خودپسندی راه نرو که خداوند هیچ خودپسند خودشیفته‌ای را دوست ندارد.  
 «وَ أَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ»: در راه رفتنت، میانه‌رو باش (نه تند برو و نه آهسته) و از صدایت بکاه؛ زیرا زشت‌ترین صداها، بی‌گمان صدای خران است.  
 نَاهِيَنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ: بازدارنده از کار زشت  
 الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ: حکمت در دل فروتن ماندگار می‌شود و در دل خودپسند ستمکار زورمند، ماندگار نمی‌شود.  
 إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ إِذَنْ عَلَيْنَا أَنْ لَا تَتَكَبَّرَ عَلَيَّ الْآخَرِينَ: بی‌شک خداوند هیچ خودپسندی را دوست ندارد؛ بنابراین نباید نسبت به دیگران تکبر ورزیم.  
 شَبَّهَ اللَّهُ كَلَامَ مَنْ يَزِقُّ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلِ مَنْطِقِي بِصَوْتِ الْحِمَارِ: خداوند، سخن کسی را که صدایش را بدون دلیلی منطقی بالا ببرد، به صدای خر تشبیه کرده است.

### کلمات حوار (گفت و گو)

سِعْرٌ: قیمت  
 أَرْحَصُ: ارزان تر  
 التَّوَعِيَّةُ: جنس، کیفیت  
 تَخْفِيزٌ: تخفیف  
 سِتْوَةٌ أَلْفٌ: شصت هزار  
 غَالِيَةٌ: گران  
 زَمِيلٌ: همکار  
 مَتَجَرٌ: مغازه

### کلمات و عبارات تمارین

أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ: داناترین مردم، کسی است که دانش مردم را به دانش خودش اضافه کند.  
 أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ: دوست‌داشتنی‌ترین بندگان خدا نزد خداوند، سودمندترینشان برای بندگان است.  
 شَرُّ النَّاسِ: بدترین مردم (شَرٌّ: اسم تفضیل)  
 خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ: بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.  
 مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهَوَّ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ: هر کس شهوتش بر عقلش چیره شود، از چهارپایان هم بدتر است.  
 «جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ»: با روشی که نیکوتر است، با آن‌ها ستیز کن که پروردگارت به (حال) کسی که از راهش گمراه شده، آگاه‌تر است.

# الدَّرسُ الثَّانِي: صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ



## اسم فاعل، اسم مفعول واسم مبالغه

در زبان عربی، اسم‌ها وزن‌های مخصوصی دارند که این وزن‌ها، هر کدام معنای ویژه‌ای به آن‌ها می‌بخشند. در این درس با این قالب‌ها آشنا می‌شویم.

### اسم فاعل

اسم فاعل در عربی، همان صفت فاعلی فارسی است که به معنای انجام‌دهنده یا دارنده حالت است. اسم فاعل به دو شکل ساخته می‌شود:

**الف)** از فعل‌های ثلاثی مجرد (که ریشه اصلی‌شان سه حرف است) بر وزن «فاعل» می‌آید.

### مثال:

ماضی	اسم فاعل	صفت فاعلی
رَحِمَ	راحم	رحم‌کننده
عَلِمَ	عالِم	دانا
ظَلَمَ	ظالم	ستمگر

**ب)** از فعل‌های ثلاثی مزید (همان باب‌های هشتگانه منظوم است) چه‌طور؟! خُب! از فعل مضارع این فعل‌ها، حرف مضارعه (ب) را حذف می‌کنیم، به جایش یک «م» می‌آوریم و حرکت عین‌الفعل (یکی مانده به آخر) را «ی» می‌دهیم. به جدول زیر دقت کنید:

مضارع	اسم فاعل	صفت فاعلی
يُخْرِجُ	مُخْرِج	بیرون‌آورنده، خارج‌کننده
يُعَلِّمُ	مُعَلِّم	آموزگار
يَتَكَلَّمُ	مُتَكَلِّم	گوینده
يُجَاهِدُ	مُجَاهِد	رزمنده، مجاهد
يَعْتَمِدُ	مُعْتَمِد	اعتمادکننده
يَسْتَعْدِمُ	مُسْتَعْدِم	به‌کارگیرنده، استفاده‌کننده
يَتْرَعِجُ	مُتْرَعِج	ناراحت، نگران
يُقْتَرِحُ	مُقْتَرِح	پیشنهاددهنده

### فن ترجمه: اسم فاعل

همان‌طور که دیدید در ترجمه اسم فاعل از پسوندی کمی می‌گیریم که مفهوم «انجام‌دهنده کار یا دارنده حالت» را برسانند؛ مثل «نده، گار، ا». گاهی هم صفت فاعلی بدون پسوند است. به مثال‌های قبلی دوباره دقت کنید:

مُخْرِج: بیرون‌آورنده، مُعَلِّم: آموزگار، مُتَكَلِّم: گوینده، مُجَاهِد: رزمنده، مُعْتَمِد: اعتمادکننده، مُسْتَعْدِم: به‌کارگیرنده، مُتْرَعِج: ناراحت، نگران (دارنده حالت)، مُقْتَرِح: پیشنهاددهنده.

### اسم مفعول

اسم مفعول اسمی است که کار روی آن انجام می‌شود. این اسم هم مثل اسم فاعل دو جور روش ساخت دارد:

**الف)** از فعل‌های ثلاثی مجرد بر وزن «مفعول» ساخته می‌شود.

### مثال:

فعل ماضی	اسم مفعول	صفت مفعولی
خَلَقَ	مَخْلُوق	آفریده‌شده
فَتَحَ	مَفْتُوح	بازشده
ظَلَمَ	مَظْلُوم	مورد ستم قرار گرفته، مظلوم

### جدول مترادف

تَقَرَّبَ = نزدیک شدن	إِقْتَرَاب = نزدیک شدن	مُخْتَال = خودپسند	مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ = خودپسند
أَنْكَرَ = زشت‌ترین	أَقْبَحَ = زشت‌تر، زشت‌ترین	أَفْضَلَ = بهتر، بهترین	خَيْرَ = بهتر، بهترین

### جدول متضاد

أَرَادِلُ = فرومایگان	أَفَاضِلُ = شایستگان	صَلَّ = همراه شد	إِهْتَدَى = هدایت شد
مُنْكَرٌ = کار زشت	مَعْرُوفٌ = کار خوب	فَخْرٌ = فخر فروش	مُتَوَاضِعٌ = فروتن
مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ = خودپسند	مُتَوَاضِعٌ = فروتن	مُخْتَالٌ = خودپسند	مُتَوَاضِعٌ = فروتن
أَنْكَرَ = زشت‌تر	أَجْمَلَ = زیباتر	نَاهِي = بازدارنده	أَمِيرٌ = دستوردهنده
إِنَّهٗ = بازدار	أَوْمَرُ = دستور بده	أَكْبَرُ = بزرگ‌تر، کوچک‌ترین	أَصْغَرُ = کوچک‌ترین
أَكْثَرُ = بیشتر، بیشترین	أَقَلُّ = کم‌تر، کم‌ترین	أَرْحَصُ = ارزان‌تر، ارزان‌ترین	أَعْلَى = گران، گران‌ترین
خَيْرٌ = خوب، خوبی، بهترین	شَرٌّ = بد، بدی، بدترین	إِنْتِعَادٌ = دورشدن	تَقَرُّبٌ = نزدیک شدن
سَاءٌ = بد شد	حَسَنٌ = نیکو شد	عَدَاوَةٌ = دشمنی کردن	صَدَاقَةٌ = دوستی

### جدول جمع مکسر

جمع	مفرد	ترجمه
آباء	أَب	پدر
فنون	فَنَّ	هنر
اراذل	أَرَذَلٌ	فرومایه
افاضل	أَفْضَلٌ	شایسته
مواظظ	مَوَظَّظَةٌ	پند
زُملاء	زَمِيلٌ	همکار
جبران	جَارٌ	همسایه
أقرباء	قَرِيبٌ	خویشاوند
حمار	حَمِيرٌ	خر
نُهاة	نَاهِي	بازدارنده
تماذج	تَمَوَّذَجٌ	نمونه
بِهائم	بَهِيمَةٌ	چهارپا
إخوان	أَخٌ	برادر، دوست
مدارس	مَدْرَسَةٌ	مدرسه
ملاعب	مَلْعَبٌ	ورزشگاه
مطاعم	مَطْعَمٌ	رستوران
منازل	مَنْزِلٌ	خانه
أسعار	سِعْرٌ	قیمت
سراويل	سِرْوَالٌ	شلوار